

چگونه بر علوم بیگانه دست یافتند؟

در مقالات گذشته یاد آور شدیم که باطلوع دین مقدس اسلام و انتشار قرآن مجید، درهائی از علوم و فنون بروی مسلمانان گشوده شد اکنون توضیح میدهیم که این علوم و فنون تا آغاز قرن سوم هجری، ریشهٔ اسلامی داشت. باین معنی که همه از قرآن و گفتار پیغمبر و ائمه اطهار (ع) سرچشمه میگرفت، مانند علم حدیث، تفسیر، تاریخ، صرف و نحو، لغت، قرأت، رجال، فقه، اصول، فن خطابه، انشاء، شعر و غیره که هر کدام به چندین رشته تقسیم میشد.

ولی چون نفوذ اسلامی توسعه یافت و ممالک همجوار و دولتهای متمدن آنروز ضمیمه امپراطوری اسلامی گردید، و مسلمانان با سایر ملتها تماس پیدا کردند و از علوم و آداب و تمدن آنان اطلاع یافتند، بعلوم اصیل خود اکتفا نمودند و اقدام به اخذ و ترجمه و نقل سایر علوم بشری کردند. دیری نپایید که تمام میراث بشری و همه دانشهای ایران و روم و یونان که شامل پزشکی، فلسفه، منطق، نجوم، جغرافی، ریاضی، طبیعی، گیاهشناسی، شیمی، و غیره بود همه و همه توسط دانشمندان صلاحیتدار خود آن ملتها بزبان عربی و اسلامی ترجمه شد، و مسلمانان با شور و شوق و پشت کار مخصوص بآموختن آن پرداختند.

اینکه گفتیم دانشمندان خود آن ملتها، اعم از آنهایی بود که مسلمان شده بودند، و یا آنها که همچنان بکیش خود باقی ولی باستخدام دولت اسلامی درآمده و بکار ترجمه و نقل علوم و میراث خود بزبان عربی و اسلامی اشتغال داشتند.

ترجمه علوم و فنون ایرانی

آنچه از زبان فارسی به عربی برگردانده شد، کتابهایی مشتمل بر نجوم، هندسه، جغرافی، تاریخ و سیر، آداب اداری و مملکت داری بود، کسانی که این علوم و فنون را بعربی ترجمه کردند بنقل این ندیم در (فهرست) عبدالله بن مقفع، دانشمندان خاندان نوبخت و حسن بن سهل، بلاذری، محمد بن جهم برمکی، هشام بن قاسم، موسی بن عیسی کردی، زادویه ابن شاهویه اصفهانی، بهرام بن مردان شاه، و محمد بن بهرام بن مطیاری اصفهانی و دیگران بودند که اغلب دین مبین

اسلام را پذیرفته بودند ، و بخاطر اسلام علوم خود را بزبان عربی نقل کردند .
 احمد امین نویسنده معروف مصری مینویسد : این ایرانیان که مسلمان شدند و عرب‌های
 که باندازه کافی از فرهنگ ایرانی برخوردار گردیدند ، در قرن سوم هجری و اوائل دولت
 عباسی جهان را پراز دانش و حکمت و شعر و شکر کردند . که در آن میان عنصر ایرانی به نحو آشکاری
 جلوه گراست . نتیجه افکار ایرانی این شد که در لباس زبان عربی نوابی مانند بشار در شعر ،
 و ابن مقفع در نویسندگی ، و مؤلفی همچون ابن قتیبه و طبری پدید آورد . (۱)

علوم یونان و روم و هند

از زمان خلافت منصور خلیفه عباسی دانشمندان اسلامی باجنب و جوش زاید الوصفی دست
 بکار ترجمه علوم و فنون یونان و روم و هند و ایران شدند ، راجع بعلوم ایرانی اشاره ای کردیم .
 اکنون بطور کامل میگوئیم : در عصر منصور و بالاخص در زمان خلافت مأمون خلیفه عباسی
 کتابهای پرارزشی از یونانی و رومی و هندی بزبان عربی ترجمه شد ، و مسلمانان بآموختن و
 شرح و بسط آن پرداختند ، مانند کتاب کلیله و دمنه ، و سندهند ، از زبان هندی ، و کتب مجسطی ،
 فیثاغورث و افلاطون و جالینوس و بقراط و خاصه مصنفات ارسطو توسط دانشمندان مسیحی عرب -
 زبان یا مسلمان بعبری ترجمه شد . این کتابها مشتمل بر علوم و فنونی از قبیل فلسفه ، طب ، منطق ،
 تاریخ و سرگذشت ، ادبیات ، علوم طبیعی و ریاضی بود . دانشمندان برای اینکه علوم بیگانه را
 درست بزبان خود نقل کرده باشند ، حتی چندبار ترجمه را تغییر دادند و بادقت بیشتری بنقل
 آن پرداختند .

نکته جالب توجه اینجاست که مسلمانان بعد از نقل علوم و فنون ایران و روم و یونان
 و هند بزبان خود ، چنان بفرا گرفتن و تشریح و تهذیب و تنقیح آن همت گماشتند که مافوق آن
 متصور نیست ، و مورد اعجاب و تحسین صاحب نظران بیگانه قرار گرفته و زبان به ستایش
 آنان گشوده اند .

مرکز این فعالیت‌های علمی و تحقیقی نخست بغداد بود ، و سپس به اندلس (اسپانیا) و
 ایران و مصر و سوریه نیز کشیده شد ، و همین زحمات طاقت فرسا و قابل تقدیر مسلمانان بود که
 علوم و فنون اسلامی و غیر اسلامی که بوسیله مسلمانان باوج کمال رسیده بود بااروپا برده شد و در
 قرون وسطی موجب بیداری غربیان و ترقیات و حرکت عامی و صنعتی آنان گردید .

دکتر گوستاو لوبون چه مینویسد ؟

دکتر گوستاو لوبون «فرانسوی در تمدن اسلام و عرب» مینویسد : هنگامیکه مسلمین

(۱) ضحی الاسلام ج ۱ - ۱۸۱ .

شروع بفتوحات نمودند هنوز يك پر توضیعی از تمدن قدیم ایران و روم شرقی در دنیا باقی بود . پیروان اسلام از این دنیای جدید که در آن قدم گذارده بودند بی نهایت متأثر شده با قدم سریعی با خذ علوم و ادب و فنون متعلقه بان مشغول گردیدند . ایشان همان استعدادی را که در فتوحات کشوری از خود برورز داده بودند اکنون در تحصیل علوم و فنون و هنر نیز آن استعداد را به بروز و ظهور رسانیدند . .

مسلمین و قتیکه شام و ایران را گرفتند در آنجا قسمتی از ذخائر علوم یونان را بدست آوردند . آنها کتب سریانی را بعربی ترجمه نموده کتبی را هم که تا آنوقت ترجمه نشده بود خیلی زود بعربی نقل نمودند ، غرض که آنها بایک استعداد غریبی به تحصیل علم و ادب مشغول گردیدند .

اینان تا چندی بهمین کتابهای ترجمه شده بعربی ، قناعت نموده ، سپس کتب اصلی ، خصوصاً کتب قدیمه یونان را ، بدست آورده به تعلیم و تعلم آن کتب مشغول گشتند و بدانگونه که زبان لاتین و قسطلی را بعد از مدتی در اندلس زبان یونانی را نیز در اندک زمانی فرا گرفتند ، چنانکه حالیه در کتابخانه اسکوریا کتب لغت عربی به یونانی ، عربی به لاتینی ، عربی به اسپانیولی موجود است که مؤلفین آن کتب مسلمان بوده اند . (۱)

گفتار جرجی زیدان

جرجی زیدان دانشمند و نویسنده بزرگ مسیحی عرب زبان در کتاب «آداب اللغة العربیه» مینویسد : فرنگیان از قرن دهم میلادی شروع بآموختن زبان عربی نمودند تا آن راه از علوم طبیعی و طب و فلسفه آگاهی یابند . فرنگیان کتب مهم این قسمت را بزبان لاتینی که در آن روز نزد آنان زبان علمی بود ، درآوردند .

تا آنجا که ما اطلاع داریم نخستین کسیکه اقدام به ترجمه و نقل کتب عربی به لاتین نمود پاپ سلفستردوم در اواخر قرن دهم میلادی و بعد از او (هرمان) متوفی بسال ۱۰۵۴ میلادی و پس از او قسطنطین افریقی و دیگران بوده اند .

در قرن دوازدهم میلادی «طلیطله» و سایر شهرهای مسلمانان اندلس (اسپانیا) ، مانند بغداد در عصر هارون و مأمون محل آمدورفت فرنگیان و مرکز تجمع آنها برای استفاده یا ترجمه یا تألیف بود . یکی از کسانی که در اندلس اشتغال بنقل کتب عربی به لاتین داشت «ریمون» اسقف طلیطله در اواسط قرن دوازدهم بود که بسیاری از کتابهای عربی را به لاتین ترجمه کرد .

(۱) تمدن اسلام و عرب صفحه ۵۵۶ - ۵۵۷ .

بعد از وی افلاطون، پیوری و ادلاراجی و یوحنا شبیلی، و کندی سالفی و هرمان دلماتی و مرقس طلیطلی و غیره راه او را پیمودند و بنقل آثار اسلامی بزبان خود همت گماشتند. جیرار کرمانی بیش از همه باین کار اهتمام ورزید. زیرا قریب هشتاد کتاب محتوی علوم پیشینیان را در منطق و فلسفه و ریاضیات و نجوم و طبیعیات و شیمی و غیره از آثار مؤلفین یونان و مسلمین مانند فارابی، ابن قره، اولاد موسی نو بختی، خوارزمی، کندی و فرغانی و غیره را از لغت عربی به لاتین برگرداندند.

پادشاهان اروپا در آن روز نیز اهتمام به نشر ادبیات عربی داشتند تا در کشورهای خود از آن بهره مند گردند. زیرا هر انسان عاقلی که بخواهد ملت خود را در علم و تمدن پیش ببرد ناگزیر از این کار است و از آنها که در این خصوص سابقه دارند کمک میگیرند. نخستین کسی که در نهضت جدید اروپا در این راه کوشش بعمل آورده، فردریک دوم متوفی ۱۲۵۰ و الفونس پادشاه قشتاله (اسپانیا) بود که مانند مأمون مترجمان را گرد آورد و دستور داد کتب عربی را ترجمه کنند! آنها نیز کتب عربی را به اسپانیایی و از آن زبان به لاتین نقل کردند.

اخبار کار آنها در اروپا منتشر شد و امرای آنجا این راه را دنبال کردند و بیشتر در قرون وسطی اوقات را در ترجمه و نقل کتب اسلامی گذراندند. تاجائیکه تعداد کتبهائیکه در این مدت از عربی بزبان های خارجی و بالاخص لاتین ترجمه شد به ۳۰۰ کتاب رسید! باین شرح: ۹۰ کتاب در فلسفه و طبیعی، ۷۰ کتاب در ریاضیات و نجوم، ۹۰ کتاب در طب، ۵۰ کتاب در گیاه - شناسی و شیمی (۱).

(۱): رجوع شود بکتابهای: تاریخ تمدن اسلام و عرب گوستاو لوبون و تاریخ تمدن

جرجی زیدان و غیره.

تدریس رقص ممنوع!

پارلمان کویت بدولت توصیه کرد که آموزش رقص را در مدارس ممنوع نماید، در همین پیام بدولت توصیه شده که سعی شود دختران لباس شایسته ای بپوشند!

اطلاعات ش ۱۱۹۰۵